

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی
شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸
شماره مقاله: ۸۸۹۵/۶۶۳۶
رده بندی کنگره: الف ۱۰۱/۲

بررسی و اثربخشی طیف دیدگاه های تربیتی در پیشرفت دانش آموزان

فاطمه منشی زاده

چکیده

خانواده ارزنده ترین ساختار وغنی ترین بستر جهت رشد و تکامل ویژگی های جسمانی ، رفتاری و شخصیتی است که قدمت آن به اندازه طول تاریخ بشریت بوده و حرکت انسانی در مسیر زندگی با تأثیر پذیری شدید از این محیط ادامه می یابد. خانواده اولین کانونی است که فرد در آن احساس امنیت می کند و نخستین نهادی است که فرد را مورد پذیرش قرار می دهد. این نهاد در دیدگاه های مختلف به صور متفاوتی تعریف و نگریسته شده است و هریک به تناسب دیدگاه و تعریف خود اهمیت آن را در زمینه های مختلف بیان کرده. در نظریه های روانشناسی رشد و تحول ، ویژگی های شخصیتی متأثر از عوامل متعددی ذکر شده که در بین این مجموعه عوامل ، تعاملات والدین و عملکرد خانواده از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به نظر می رسد که خانواده بیشترین نقش را در شکل گیری و تکامل شخصیت کودکان ونوجوانان ایفا می کند. علی رغم اهمیت بالایی که آموزش چه برای جامعه و چه برای فرد دارد، متأسفانه اکثر والدین به درستی نمی دانند که هر گاه فرزندان آنها از امکانات رشد و پرورش صحیح برخوردار باشند چه زندگی متعالی وارزشمندی در انتظارشان است.

واژگان کلیدی: آموزش خانواده، دیدگاه های تربیتی، پیشرفت درسی، دانش آموزان،

رفتار اجتماعی

بخش اول: کلیات

خانواده یکی از حوزه های ارتباطی مهم در دانش آموزان جهت رسیدن به اهداف آموزشی، حوزه ارتباطی است. خانواده از دو جهت اهمیت دارد. یکی از آن جهت که هر دانش آموزی هم اکنون عضوی از یک خانواده است و باید بتواند نقش درست و مؤثر خود را به عنوان یک عضو به خوبی ایفا کند. دیگری از آن جهت که هر دانش آموزی در آینده ای نچندان دور خانواده تشکیل می دهد و همراه با همسرش مسئولیت یک خانواده را برعهده می گیرد. تربیت دانش آموزان برای ورود به موقع و موفق به زندگی خانوادگی و ازدواج از مسئولیت های مهم والدین و هم چنین نظام تربیتی در هر جامعه است (اعتصامی، ۱۳۹۰). در واقع خانواده کوچکترین و اساسی ترین واحد اجتماعی است که هر یک از افراد جامعه در آن متولد می شوند و تربیت و پرورش می یابند. در این میان نقش پدر و مادر در تربیت فرزند بسیار مهم و تعیین کننده است، چرا که والدین اولین شکل دهندگان و معماران شخصیت فرزند خود هستند. بنابراین آموزش دادن به والدین در زمینه مسائل تربیتی موجب می گردد که آنان محیط مناسب تری برای رشد و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرزندان خود فراهم کنند. این امر نیز پیشرفت و بالندگی افراد خانواده ها و جامعه را در پی خواهد داشت (ثابتی، ۱۳۷۶). محیط خانواده همواره باید پاسخگوی نیازهای اعضای تشکیل دهنده آن باشد تا استحکام خانواده امکان پذیر شود. در این راستا، آموزش خانواده و ایجاد فرصت های مناسب برای ارائه آن می تواند در انسجام جامعه، ایجاد روابط سالم بین افراد سهم بسزایی داشته باشد. پژوهش ها نشان می دهد که میزان اثر گذاری و فراگیری آموزش خانواده به مراتب بیش از تنظیم و تصویب قوانین

اثرات پایدار و اساسی در ایجاد نگرش مثبت و تغییر رفتار دارد. کلاس های آموزش خانواده تغییرات برنامه ریزی شده ای است که هدف آن نزدیک کردن روشهای تربیتی و آموزش والدین و مربیان و در نهایت تغییر در رفتار آنان است (اسدی، ۱۳۸۴). یافته ها نشان می دهند که حتی والدین فرهنگی (پدر و مادر) از خصوصیات کودکان در دوره های مختلف رشد اطلاعات اندکی دارند. یافته ها حاکی از این است که ۵۰٪ از مادران و ۶۶٪ از پدران اطلاعات اندکی درباره ویژگی های کودکان در دوران مختلف رشد دارند. از این رو آموزش خانواده، می تواند پاسخی مناسب برای نیاز های آموزشی، تربیتی و فرهنگی خانواده باشد (حیدری، باقری و همکاران، ۱۳۸۵).

بخش دوم: مروری بر سیر تاریخی تشکیل آموزش خانواده و انجمن اولیا و

مربیان

بند اول: تاریخچه تشکیل آموزش خانواده

تحول علم روانشناسی در اواخر قرن نوزدهم و به خصوص یافته های مربوط به روانشناسی کودک نیز در تشکیل انجمن اولیا و مربیان مؤثر بوده چرا که در آن زمان روانشناسان تأکید داشتند که برای تربیت بهتر فرزندان توجه بیشتر به نقش تربیتی خانواده ضروری است. براساس مطالعات انجام شده تا اوایل قرن نوزدهم در جوامع مختلف برای کودکان از لحاظ اجتماعی ارزش چندانی قائل نمی شدند. در این دوران مواردی از قبیل نیازهای کودکان، تفاوت های فردی و نیاز های خاص کودکان مسائل جدی و قابل توجه تلقی نمی شدند. در سال ۱۸۸۳ میلادی استانلی هال^۲، با انتشار مقالاتی تحت عنوان (محتوای ذهن کودک) و (مطالعه کودک) آغاز گر جنبشی گردید که ابتدا در آمریکا و سپس در اروپا

^۱.parents and cutchs of association.

^۲.stanly hal

به نهضت مطالعه کودک معروف شد. این نهضت تغییرات فراوانی در اندیشه های تربیتی معاصر به وجود آورده است. از طرف دیگر مطالعاتی که در زمینه تربیت کودک انجام شد ارتباط میان تربیت صحیح کودک با محیط خانوادگی را به اثبات رساند و به این ترتیب اندکی پس از آغاز نهضت مطالعه کودک، نهضت آموزش اولیا سراسر آمریکا و سپس اروپا را فراگرفت به طوری که در سال ۱۸۹۰ نخستین تشکیلات آموزشی اولیا توسط استانی هال در محلی به نام «انجمن تحقیق درباره کودک» تأسیس گردید «نهضت توسعه تعلیم و تربیت مربیان آموزش خانواده، با تألیف کتابی تحت عنوان «اهمیت تغذیه با شیر مادر» در سال ۱۹۱۴ فعالیت آموزش اولیا وارد مرحله جدیدی شد، به طوری که با انگیزه ایجاد زمینه برای آشنایی خانواده ها با اصول تعلیم و تربیت جدید، نخستین مدرسه والدین در اروپا در سال ۱۹۹۹ در شهر پاریس تأسیس شد و با کمک هیأت های آموزشی مدارس در آموزشگاه های ابتدایی و متوسطه و همکاری خانواده ها، انجمن اولیا را تأسیس کرد. به این ترتیب از دهه سوم قرن نوزدهم، انجمن اولیا و مربیان در مدارس جهان شروع به فعالیت نمود (نیکونیا، ۱۳۸۷). انجمن اولین و مربیان در سال ۱۳۲۶ به عنوان سازمان غیر دولتی و غیر انتفاعی در ایران تشکیل شد این انجمن در سال ۱۳۴۷ به منظور توسعه فعالیت های آموزشی، کمیته ای را تحت عنوان «کمیته آموزش» تشکیل داد. این کمیته در راستای توسعه فعالیت های خود توانست جلسات آموزشی خانواده از حالت و شیوه سخنرانی پراکنده به صورت دوره های آموزش کلاسیک که در محل انجمن تشکیل می شد، تغییر دهد. زمان اجرای دوره های مذکور ۳ هفته و در هر هفته ۳ جلسه آموزش بود. با آغاز شیوه جدید آموزش خانواده نحوه ارتباط انجمن با مراکز آموزشی وارد عرصه نوینی شد و با حضور اساتید دانشگاهی به عنوان مدرس آموزش خانواده و استقبال خانواده ها از این

آموزشها، انجمن اقدام به راه اندازی و تأسیس مرکز آموزش خانواده نمود و به منظور توسعه فراگیر آموزش خانواده در شهر تهران، پنج عنوان آموزشی در قالب آموزش خانواده در ۱۰ ساعت در آموزشگاهها به خانواده ها ارائه شد. (جهانگرد، ۱۳۷۵).

بند دوم: تاریخچه انجمن ملی اولیاء و مربیان

تدوین قانون اساسی پس از انقلاب مشروطیت و متعاقب آن تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی موجب شد تحصیلات عمومی در سطح کشور اجباری شده و به عنوان یکی از وظایف دولت تلقی شود. این امر آموزش و پرورش را با افزایش تقاضای آموزش مواجه ساخت و این امر به دنبال خود تبعات و مشکلاتی من جمله فشار سنگین مالی بر منابع محدود دولت را پدید آورد. هم زمان با افزایش تقاضا برای آموزش، گسترش همکاری عمومی برای پیشبرد امر آموزش و پرورش نیز مورد توجه قرار گرفت و در این راستا مشارکت خانه و مدرسه در تعلیم و تربیت به عنوان یک راهبرد سیاسی انتخاب شد. به این ترتیب تشکیل انجمن اولیاء و مربیان از طرح های مقدماتی دولت در زمینه واگذاری تعلیم و تربیت به مردم قلمداد گردید (جهانگرد، ۱۳۷۵). صدیق اعلم (۱۳۴۹) وزیر فرهنگ وقت در این مورد می نویسد: در سال ۱۳۲۶ باز هم برای دخالت دادن مردم در امر تعلیم و تربیت انجمن همکاری خانه و مدرسه را تأسیس کردیم، به طوری که انجمن های خانه و مدرسه کار بسیار مفیدی در دخالت دادن مردم به کاری که بر آن علاقه دارند بوده است. در سال ۱۳۴۶ انجمنی به نام انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران تأسیس و مرام نامه ای به این شرح به ثبت رسید: انجمن اولیاء و مربیان سازمانی است غیر انتفاعی و غیر دولتی این مؤسسه با همکاری و پشتیبانی کسانی که به تربیت عمومی نونهالان و نوجوانان علاقه دارند تشکیل می شود. هدفهای معین و مشخصی بر محور سیاست کلی آموزش و پرورش کشور و با معیارهای فدراسیون بین المللی اولیاء و مربیان برای نیل به هدف های

خود تعقیب می کند . انجمن ملی اولیاءومریان ایران سازمانی است که در آن تعصب مذهبی ، نژادی، طبقاتی و یا سیاسی راه ندارد و صرفاً به جنبه همگانی تربیت متوجه است (جهانگرد، ۱۳۷۵).

بخش سوم: اهداف انجمن اولیاء و مرریان

انجمن اولیاء و مرریان در سال ۱۳۴۶ اهداف خود را به شرح زیر اعلام کرد:

- ۱) بررسی مسائل خانوادگی و تربیتی بین افراد و طبقات اجتماعی.
- ۲) فراهم آوردن وسایل لازم برای حفاظت کودکان و نوجوانان و تأمین احتیاجات روانی و جسمانی آنان.
- ۳) تقویت مبانی ارتباط میان خانه و مدرسه و تحکیم روابط اولیاء و مرریان.
- ۴) اتخاذ تدابیر اساسی در باره ی روشهای تربیت و تقویت روح همکاری اجتماعی و پرورش شخصیت کودکان و نوجوانان و تحکیم مبانی اعتماد به نفس در آنان.
- ۵) هم کاری و هم فکری با اولیاء کودکان و نوجوانان به منظور ایجاد تقویت حسن تفاهم بین آنان.
- ۶) هم کاری و هم فکری با اولیاءمدارس به منظور تسهیل امور تربیتی و به ثمر رساندن فعالیت های آنان در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان.
- ۷) تلاش در هماهنگ ساختن فعالیت های خانه و مدرسه و به تحقق رسانیدن و منظور های آموزشی بر پایه صحیح علمی .
- ۸) مرتفع ساختن مشکلات اولیاء و کودکان و نوجوانان و هم چنین اولیاء مدرسه از طریق وسایل ارتباطات جمعی و تشکیل کلاس ها ، سمینارها [هم اندیشی ها]، کنفرانس ها ، مصاحبه ها و طبع و نشر رساله های ارشادی (همان منبع، ۱۳۷۵).

بخش چهارم: سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان^۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، براساس لایحه قانونی که به صورت ماده واحده در جلسه ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ به تصویب شورای انقلاب رسید، مقرر گردید انجمن ملی اولیاء و مربیان به صورت سازمان مستقل و به سرپرستی قائم مقام وزیر آموزش و پرورش اداره شود (وفادار وجوان بخت، ۱۳۸۳).

بند اول: اساس نامه انجمن مرکزی اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

این اساس نامه در جلسه ۴۵۱ شورای عالی آموزش و پرورش به تاریخ ۱۳۶۷/۳/۱۹ تصویب شد. در بخش کلیات این اساس نامه آمده است "هدف نهایی از تعلیم و تربیت در آیین مقدس اسلام و به تبع آن در حکومت اسلامی، دست یابی به مکارم اخلاقی، یافتن نفس مطمئنه، و زکیه و حرکت در صراط مستقیم در جهت وصول به مقام بندگی شایسته خدای توانا، با استفاده از زمینه های فطری انسان است. دو رکن مهم و اساسی این ترقی و تعالی عبارت است از کانونهای با صفا و با هدف خانواده و مدرسه. بنابراین به منظور برقراری هر چه بیشتر ارتباط میان این دو کانون در جهت تحکیم همکاری تربیتی و ایجاد هماهنگی بین کلیه مراکزی که تمام و یا بخشی از اهداف آنها هدایت و تهذیب افکار و تربیت اخلاق عمومی است، مؤسسه ی غیر انتفاعی، وابسته به آموزش و پرورش به نام انجمن مرکزی اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران تأسیس می گردد (شرکایی و همکاران، ۱۳۸۷).

بند دوم: اهداف انجمن مرکزی اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

در ماده یک اساس نامه اهداف انجمن به شرح زیر می باشد:

^۱Central organization of parents and cautch association

(۱) آگاه تر ساختن پدران و مادران و مربیان به معارف اسلامی در رابطه با مسائل رشد و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان با توجه به نیازهای آنان از جهات مختلف معنوی، روانی، عاطفی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی.

(۲) تبیین مسئولیت ها و تقویت احساس آن در اولیاء و مربیان نسبت به مسائل پرورشی فرزندان.

(۳) ایجاد، تقویت و تحکیم روابط صمیمی بین اولیاء و مربیان از یک طرف و فرزندان از طرف دیگر.

(۴) فراهم کردن موجبات تحکیم مبانی شخصیت و تقویت خود آگاهی در کودکان، نوجوانان و جوانان.

(۵) مطالعه و بررسی عللی که موجب ناسازگاری و یا عواملی که مانع رشد بدنی و روانی کودکان، نوجوانان و جوانان کشور شود و پیدا کردن راه های رفع علل و موانع بروز.

(۶) آشنا ساختن اولیاء به مسائل اقتصادی خانواده و جامعه و تخصص های ضروری و مورد نیاز کشور جهت راهنمایی شغلی فرزندان.

(۷) جذب امکانات و نیروهای مردمی جهت مشارکت همه جانبه آنان در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (همان منبع، ۱۳۸۷).

بخش پنجم: تعاریف خانواده

مفهوم خانواده مانند سایر مفاهیم موجود در علوم انسانی دارای تعاریف متعدد و گوناگونی است. جامعه شناسان، روانشناسان، و دانشمندان رشته های مختلف هر کدام از زاویه خاص به این نهاد نگریسته و تعریفی از آن ارائه نموده اند که به برخی از آنها اشاره می شود. خانواده را می توان به عنوان یک نظام اجتماعی و یا به عنوان بخشی از یک اجتماع بزرگتر در نظر گرفت که هنجارها، ارزشها و رفتارهای آن در فرد تأثیر حتمی دارد (علوی ۱۳۷۴).

خانواده عبارت است از یک نظام اجتماعی زنده که از یک گروه از افراد وابسته به هم تشکیل شده است والدین و اعضاء نظام برای رسیدن به اهداف خاصی تلاش می کنند (فریدمن، ۱۹۸۷).

خانواده در قانون اساسی : با توجه به اهمیت خانواده در سلامت جامعه ،در قوانین مدنی و اسلامی ایران این امر مورد توجه خاص قرار گرفته است .اصل دهم قانون اساسی بیان می دارد از آنجا که خانواده واحد بنیادی در جامعه اسلامی است ،همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ،پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد (عبد الهی ، ۱۳۸۲).

بند اول: منشاء خانواده و تحولات تاریخی آن

خانواده مهم ترین واحد اجتماعی است که در همه جوامع بشری وجود داشته است برخی روابط خویشاوندی که بر اساس هم خونی متکی است ، مبدأ تشکیل خانواده می دانند و آن را هسته اولیه جامعه می پندارند . برخی نیز عوامل اقتصادی در پدید آیی خانواده مؤثر دانسته اند و گروهی عوامل جنسی و روانی را در شکل گیری این سازمان ذکر کرده اند .مطالعات انجام گرفته توسط جامعه شناسان نشان می دهد که در برخی از جانوران عالی،خانواده زیستی وجود داشته است ولی پایدار ترین شکل خانواده مربوط به خانواده انسانی است که از آغاز تاکنون گذشته از وظیفه کودک زایی و کودک پروری ،کارکرد های دیگری مانند تولید اقتصادی و آموزش و پرورش را برعهده داشته است .در طول تاریخ ،خانواده اشکال مختلفی داشته است و هر دوره با تحولات اقتصادی واجتماعی دگرگونی پذیرفته است .در روزگار کهن، خانواده ابتدا وسیع بوده و همسران ، فرزندان ، نوه ها و...، را در برداشته است . ساختار خانواده در دوره های مختلف تاریخی به صورت تک همسری ، مادر سالاری ،چند همسری ، پدر سالاری ،خانواده گسترده و خانواده هسته

ای مطرح بوده است که عوامل متعددی نظیر تحولات صنعتی، توسعه کارگاه ها و همچنین کارخانه های جدید موجب شده است که خانواده گسترده به خانواده مستقل و محدود تبدیل شود و از نظر شماره اعضاء، مسئولیت تربیتی خانواده هم تغییر کند (گروهی از مؤلفان، ۱۳۸۴).

بند دوم: کارکرد های خانواده

خانواده در گذشته دارای کنشهای متعددی بوده و هنوز هم تأمین ارزشهای مختلفی در محیط خانواده صورت می گیرد. لکن کنش های خانواده در طی زمان دچار تغییر و تحول شده است. در جوامع شرقی بخصوص در جوامع اسلامی خانواده زنجیره ی ارتباطی اجتماع و تضمین کننده آرامش ثبات جامعه بوده است. در میان افراد خانواده اعتماد متقابل وجود داشته و علائق شدید عاطفی آنان را به هم پیوند می داده و خانواده کانون اصلی ایمنی، مهر و محبت بوده است. سایه گسترده خانواده، اعضاء آنرا در مقابل ناملايمات روزگار مصون نگه می داشته به خصوص فراگیری بسیاری از احکام عبادی و اعتقادی دینی و حتی آموزش های شغلی و تخصصی از طریق خانواده انجام می گرفت. به طور کلی می توان گفت که در جهان اسلام خانواده ۷ نقش یا کارکرد عمده اجتماعی را برعهده دارد.

۱- کارکرد زیستی و تولید مثل

۲- پرورش، تربیت و آموزش کودکان

۳- ایجاد جهان بینی و تعهددینی

۴- ارضای نیازهای عاطفی

۵- تأمین امنیت جسمی و روحی

۶- کارکرد اقتصادی و تولیدی

۷- ایجاد مهارت های شغلی در زمینه کسب شغل و مقام اجتماعی (صادقی و حمیدی، ۱۳۸۲).

بند سوم: کارکرد های اصلی خانواده در حوزه تعلیم و تربیت

خانواده به عنوان اولین نهاد تربیتی، دارای قابلیت ها و کارکرد های فراوانی در عرصه تعلیم و تربیت است که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- ایفای نقش تکلیفی در حیطه آموزش رسمی مدرسه (تقویت و توسعه آموزش های مدرسه ای در خانواده)

۲- تبیین و ترغیب الگوگرایی در فرزندان به منظور همانند سازی مطلوب

۳- تلاش برای هماهنگی و همگرایی میان ارزش های اخلاقی خانه و مدرسه به منظور تعمیق و تقویت وجدان اخلاقی فرزندان

۴- اعتماد سازی در فرزندان به منظور تحقق الگو پذیری فرزندان از والدین ایجاد هماهنگی و همگرایی در خصوص فعالیت های تربیتی با برنامه های مکمل و فوق برنامه مدرسه (شرفی، ۱۳۸۷).

بند چهارم: اشکال مختلف خانواده و خصوصیات آنها

۱- خانواده مادر سالاری: تسلط در خانواده از آن زنان بوده است.

۲- خانواده پدر سالاری: در این خانواده مرد حاکم مطلق بوده و همه ی اعضای خانواده برتری پدر را قبول داشته اند.

۳- خانواده گسترده: نمونه این خانواده در جوامع شرقی وجود داشته است در این نظام خانواده، فرزند پس از ازدواج در خانه والدین می ماندند و به اتفاق همسران و فرزندان خود در خانه پدر و مادر زندگی می کردند.

۴- خانواده هسته ای : از زن و شوهر و فرزندان تشکیل می شود و در این نظام فرزندان به محض بزرگ شدن و پس از ازدواج و یا برخورداری از امکانات اشتغال خانواده جدا گانه ای را تشکیل می دهند (همان منبع ۱۳۸۴).

بند پنجم: الگوهای تعاملی خانواده

مهمترین الگوهای تعامل خانواده عبارتند از:

الف) الگوی پذیرا و پویا

ب) الگوی وابسته

ج) الگوی سلطه گر

د) الگوی مقابله ای

ه) الگوی کناره گیر

و) الگوی نامنسجم

الف) الگوی پذیرا و پویا: در این الگو یک رابطه عقلی و عاطفی مناسب بین افراد برقرار است مهمترین خطوط ارتباطی بین آنان همین رابطه عقلی و عاطفی است .

ب) الگوی وابسته: این الگو به شکل ظاهری با الگوی پذیرا و پویا تفاوتی ندارد جزء اینکه رابطه بین اعضاء در این خانواده ، به طور عمده عاطفی است . مهمترین خطوط ارتباطی بین آنان همین رابطه عاطفی است و جنبه های عقلانی این ارتباط به شدت تحت تأثیر روابط عاطفی اعضاء است .

ج) الگوی سلطه گر: سلطه گری در خانواده ها به یکی از سه شکل زیر صورت می گیرد:

۱- سلطه متمرکز: در این الگو یک فرد بر تمامی اعضاء خانواده تسلط دارد .

۲- سلطه سلسله مراتبی: در این الگو یک فرد بر تمامی اعضاء خانواده سلطه دارد علاوه براین فرد: فرد دیگری نیز در سلسله مراتب سلطه وجود دارد که در غیاب او بر سایرین سلطه گری دارد.

۳- سلطه توزیع شده: در این الگو دو فرد بر اعضاء خانواده سلطه دارند، هر یک از آنان بر افراد خاصی

د) الگوی مقابله ای: در این الگو بین اعضاء خانواده تعارض، ضدیت، لجبازی و تلافی جویی حاکم است کنش های متقابل، شکل مکمل ندارد، بلکه هر فردی رفتاری تلافی جویانه در مقابل فرد دیگر دارد. الگوی مقابله ای از ابتدای زندگی وجود ندارد، بلکه پیش از شکست الگوهای دیگر شکل می گیرد.

ه) الگوی تعاملی کناره گیری: در این الگو افراد تا حد ممکن از یکدیگر دور می شوند. در این الگو اعضاء خانواده به دلایلی چون هم خونی، پیوستگی های سببی، الزام های اقتصادی واجتماعی ناگزیر از زندگی با یکدیگر هستند.

و) الگوی نامنسجم: در این الگو چیزی که قابل اتکاء است، متغیر بودن هر رفتار و تصمیم و قول و قرار است (احمدی، ۱۳۸۳).

بخش ششم: مبانی روانشناختی آموزش خانواده

مدرسان آموزش خانواده در آموزش های خود با نظریه های کلاسیک مربوط به روابط والدین - فرزند آشنا می شوند. این مدرسان بایستی علاوه بر آگاهی از پیچیدگی فزاینده رشد کودک و والدین، نظریات روانشناسانی چون فروید، اریکسون، گزل، پیازه، ویگوتسکی و...، رادر مورد نقش والدین در تربیت فرزند را مورد بررسی قرار دهند. (طالب زاده (۱۳۸۵) برخی از نظریات مربوط به حوزه آموزش خانواده را بدین شرح بیان می کند.

فروید^۱(۱۹۳۶)والدین را به عنوان افرادی که عمدتاً مسئول نتایج فرایند رشد کودک هستند در نظر می گیرد و این ایده فروید بر بسیاری از آموزشهای خانواده آغازین اثر گذار بوده است. نظریه ژنتیک رفتاری گزل^۲(۱۹۴۵)خاطر نشان می سازد که نقش محوری والدین ، پشتیبانی از شکوفایی استعدادها و آمادگی های موروثی کودک و فراهم کردن محیطی است که با آمادگی رسش کودک سازگار شده است. نظریه های ویژگی های شخصیتی بر شخصیت یا سبک والدین متمرکز می شود تا بر توانایی والدین در جهت سازگاری با کودکان با سنین، جنسیت ها و خلق و خوی متفاوت. بر طرفدار ترین نظریات ویژگی شخصیتی مربوط به شيفر^۳(۱۹۵۹)شيفر، پیوستارهای مربوط به صمیمت و کنترل را مورد بحث قرار می دهد. نظریه اریکسون^۴(۱۹۶۳)درباره رشد روانی - اجتماعی، بیشتر بر عوامل بیولوژیک درونی و عوامل اجتماعی بیرونی که بر رشد جسمانی و عقلانی کودک تأثیر می گذارند تأکید دارد تا بر عمده بودن تأثیرات والدین در تمامی مراحل رشد در فراخنای عمر فرد. پژوهش پیازه و اینهلدر^۵(۱۹۶۹) در مورد مراحل مختلف رشد شناختی کودکان، اطلاعات زیادی را در مورد تئوریهای چگونگی ارتباط والدین با فرزندانشان در جهت زمینه سازی رشد حداکثری کودکان که مبتنی بر درک این امر است که کودکان چگونه قادر به اندیشیدن و استدلال کردن در سنین مختلف می باشند به ما ارائه می دهند. مینوچین^۶(۱۹۸۵) در زمینه درک فرایندهای والدین - فرزندی، نظریه نظام های خانواده را مطرح کرد. این بدان معناست که به منظور درک کامل عملکرد های خانواده بایستی

^۱.Freud,z

^۲.Gasell.A.

^۳.Maturational

^۴.Scheafer,C.E.A

^۵.Erikson,E.H.

^۶.Piaget,J. &Inhelder.B.

^۷.Minuchin,S.

روابط بین همه اعضای خانواده مورد شناسایی قرار گیرند . پژوهش های ویگوتسکی (۱۹۸۷) به ما نشان می دهد که تعاملات اجتماعی بین کودکان فعال و اندیشیدن و مراقبت کنندگانش ، کلید رشد کودک است . نظریه ویگوتسکی در مورد "ناحیه تقریبی رشد" مرتبط با این امر است که بزرگسالان می توانند تسهیل کننده رفتار پخته تر کودکان از طریق بودن با آنها باشند در هنگامی که کودکان به واسطه تکالیف پیشرفته تر به چالش فراخوانده می شوند . تئوری شناختی اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) بر توانایی های پردازش شناختی و اطلاعات فردی چون مادر که واسطه ایجاد رفتارهای مناسب اجتماعی در فرزند می باشد ، تأکید می کند. این نظریه به دانش پایه ما که باید در برنامه های آموزش خانواده به آنها منتقل می گردد، جنبه های بسیاری را اضافه می کند . هولدن ومیلر (۱۹۹۹) رویکرد ویژگی شخصیتی را به عنوان قدیمی ترین و برجسته ترین رویکرد در مطالعه والدین توصیف می کند اما این نکته را نیز اضافه می کند که رویکرد ویژگی شخصیتی منعکس کننده فقط یک تعامل نیست بلکه نشان دهنده میانگینی از تعاملات است.

بخش هفتم: عوامل اثر گذار بر خانواده

به اعتقاد پاول (۲۰۰۵) انتخاب بهترین و اثربخش ترین نوع آموزش خانواده یکی از چالش های موجود می باشد. برای درک بهتر عناصر لازم جهت برنامه های آموزش خانواده، به مطالعات تجربی نیاز است که در این مطالعات بایستی برای تعیین بهترین شیوه، ویژگی های جمعیتی ، ویژگی های برنامه ها و فرایندها و همچنین شیوه های ارزشیابی این آموزش ها

مورد توجه قرار گیرد. با این وجود ساموئلسون^۱ (۲۰۱۱) معتقد است عوامل زیر در مؤثر

بودن آموزش های خانواده نقش مهم و اساسی دارند؛

- ۱) تمرکز بر رشد کودک و مهارت های فرزندپروری
- ۲) رسیدن به خانواده ها در دوران گذار
- ۳) حمایت از نقاط قوت خانواده
- ۴) درگیر کردن فعال شرکت کنندگان
- ۵) حفظ تماس مکرر و مداوم با پدر و مادر
- ۶) تماس با خانواده ها قبل از شروع رفتار های مشکل
- ۷) تماس با استفاده از روش های متعدد
- ۸) استفاده از کارکنان حرفه ای و آموزش دیده در برنامه ها
- ۹) استخدام، جذب و احترام کافی برای کارکنان
- ۱۰) ارتباط با دیگر سازمان های اجتماعی و سایر منابع (شامل پدر، مادر، کودکان و نوجوانان)
- ۱۱) توجه به رفع نیازهای خاص شرکت کنندگان
- ۱۲) محتوای برنامه ها (حفظ تمرکز بر روی مهارت های فرزند پروری و توسعه اطلاعات، تقویت عوامل حفاظتی خانواده از طریق تأکید بر نقاط قوت خانواده مانند گذراندن وقت با یکدیگر و ایجاد مهارت والدین در نظارت، ارتباطات و نشان دادن محبت
- ۱۳) زمان بندی برنامه ها
- ۱۴) شیوه ارائه برنامه ها

^۱Samuelson

بخش هشتم: بررسی و نگرشی بر طیف دیدگاه‌های تربیتی بر پیشرفت دانش آموزان

هریک از ما در دیدن اشیاء شیوه‌ای خاص خود داریم یا دارای جهان بینی خاص خود هستیم. جهان بینی ما آمیزه‌ای از ارزشها، نگرش‌ها و ادراکات ماست که در سامان بخشیدن به آنچه در پیرامون ما اتفاق می‌افتد، ما را یاری می‌کند این جهان بینی نقشه‌ای از واقعیت است که از سوابق، تجربه‌ها و فرهنگ ساخته شده و زمینه‌ساز چگونگی دید ما از اشیاء است (جی پی میلر^۱ به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۸۶). بنابراین از آنجایی که هر یک از ما وحتى روانشناسان که در حوزه علم رفتار و شناخت آن فعالیت دارند دیدگاه‌ها و شیوه‌های متفاوتی نسبت به مطالعه کودک دارد. یکی با زمینه ذهنی فرویدی به رفتار و تربیت کودک می‌نگرد، دومی با دیدگاه اجتماعی یا خانوادگی در تحلیل مسائل رفتاری و شناختی کودک به بحث و بررسی می‌پردازد و سومی با دیدگاهی انسان‌گرایانه کودک را محور قرار می‌دهد. بنابراین هر یک از والدین نیز با توجه به جهان بینی‌هایی که نسبت به دنیای کودک دارند؛ دیدگاه‌های تربیتی مختلفی را اتخاذ میکنند و لازم است که هر یک از والدین از این دیدگاه‌ها حداقل اطلاعات لازم را در جهت تربیت کودک و نوجوان خود به کار گیرند. زیرا به نقل از حسین نژاد و مجدفر (۱۳۸۸)؛ کودکان آگاه نیستند و تصمیم‌گیری‌های ناآگاهانه‌ای دارند و لازم است که والدین شرایط برقراری رشد و پرورش کودک خود را به عنوان یکی از راهکارهای تربیتی هم چون مراقبت بر پایه مهربانی، صلابت، بزرگی و احترام متقابل را پدید آورند. و این امکان پذیر نیست مگر در سایه آموزش‌های لازم و آشنایی مادران و پدران با دیدگاه‌های تربیتی و عوامل آموزش و پرورشی و اجتماعی خانواده.

بند اول: دیدگاه رفتاری

این دیدگاه باروشهای خاص یادگیری که به رفتارهای مشخصی منجر می شود سروکار دارد، در این دیدگاه مهمترین چیز رابطه بین محیط و رفتار است تغییراتی که در محیط ایجاد می شوند به تغییر در رفتار می انجامند (سیف، ۱۳۸۷) از این دیدگاه در برنامه های آموزش و پرورش کودکان استثنایی برای دانش آموزان عقب مانده ذهنی نیز استفاده شده است. در این برنامه ها موضوع یا تکلیف های یادگیری معمولاً به اجزاء کوچکتر شکسته می شوند. در دیدگاه رفتار گرایی، توصیف رفتار فرد در قالب های مشخص از آنجا که آنرا قابل مشاهده ساخته، تهیه یک برنامه برخوردار از ساخت و بافت از پیش تعیین شده را نیز ممکن می سازد (مهر محمدی، ۱۳۸۶). از اصول اساسی مورد توجه این دیدگاه این است که؛ اولاً، تقریباً همه رفتار های انسان یادگرفتنی است و دوم اینکه توجه به عینیت، [محیط بیرونی فرد] هدف اصلی روانشناسی است (کدیور، ۱۳۸۶). از برجسته ترین سخنگویان این دیدگاه اسکینر^۱ است. "وی کلیه رفتار ها را به دو دسته کنشگر^۲ یا رفتار فعال) که بوسیله یک محرک شناخته شده فراخوانده نمی شود بلکه صرفاً از جاندار صادر می شود و پاسخ گر^۳ بوسیله یک محرک شناخته شده فراخوانده یا ایجاد میشود، تقسیم کرده است" (سیف، ۱۳۸۷). هر چند برخی از آثار او جنجال برانگیز بوده، با انطباق دیدگاه رفتار گرایی با موقعیت های گوناگون، برنامه هایی برای خود کنترلی، آموزش رفتار جرات آمیزی و کاهش فشار روانی تهیه شده است. (مهر محمدی، ۱۳۸۶).

^۱Skinner,B.F.

^۲operant

^۳respondent

بند دوم: دیدگاه شناختی

اطلاعات حاصل از مطالعه رشد و تحول کودک از آن نظر با اهمیت است که به شکل گیری تدابیر تربیتی کمک می کند و راههایی را به مربیان و والدین نشان می دهد که شرایط لازم را برای رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان فراهم می آورد. در عین حال، یکی از انگیزه های روانشناسانی که در این زمینه مطالعه می کنند این است که در زمینه ی پیچیدگی های رشد و تحول انسان دانش پایه را فراهم کنند. یکی از معروفترین نظریه های روانشناسان مربوط به دیدگاه شناختی، نظریه پیاژه است. نظریه پیاژه نه تنها در روانشناسی و نیز در بررسی تحول شناختی کودک دارای منزلتی استثنایی است، بلکه تأثیرات ژرفی بر تعلیم و تربیت داشته است. پیاژه با تأکید بر فعالیت های خود انگیزه کودک و با مردود شمردن آزمونهایی که مبتنی بر یک جواب صحیح است، در انتخاب روش مناسب برای کشف ماهیت تفکر کودک تلاش کرد و توانست روش دقیقی برای پیگیری تفکر کودک برگزیند که به روش بالینی مشهور است. این روش، از معایب آزمونها و مصاحبه به دور است و از وابستگی کودک و آزمایشر به روابط کلامی تا حد ممکن می کاهد.

به نظر پیاژه، چهار عامل در تحول شناختی کودک تأثیر دارد که عبارتند از (۱) رشد، (۲) تجربیات محیطی، (۳) تعامل های اجتماعی و (۴) تعادل جویی.

نظریه های پیاژه، معطوف نقش عوامل زیستی در تحول شناختی کودک است ولی نحوه سازگاری و سازماندهی فرایندهای هوشی تابع دو عامل محیط و پیشینه ی یادگیری فرد است، اما در مقابل، گرایش به سازماندهی فرایندهای هوشی و برقراری سازگاری های ویژه با محیط را به ارث می برد. به بیان دیگر پیاژه به بلوغ زیستی فرد در طول زمان اشاره دارد تا به وراثت در تحول شناختی. با همه اهمیت که پیاژه برای بلوغ زیستی قائل است، توانایی های شناختی کودک حاصل تعامل او با محیط است.

پیاژه در عمل متقابل با جهان پیرامون، بین تجربیات محیطی و تجربیات اجتماعی تفاوت قائل است. به نظر او نوع تجربه هایی که کودک از طریق کار روی اشیاء به دست می آورد، در تحول شناختی او مؤثر است؛ ولی محیط اجتماعی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است و از آن میان، پیاژه بر نقش زبان در باز نمایی ذهنی اعمال تأکید دارد. البته برخلاف نظر پروینر، پیاژه زبان را عامل به وجود آورنده ی هوش نمی داند بلکه زبان را تسهیل کننده تحولات شناختی از جمله هوش به حساب می آورد. به نظر پیاژه گروه همسالان نیز در میان عوامل اجتماعی نقش ویژه ای در تحول شناختی کودک بر عهده دارند.

تبادل جویی از اشکال خود تنظیمی است که به کودک فرصت می دهد تا شناخت پایدار و همگنی از محیط به دست آورده، ناهماهنگی های موجود در تجربیاتش را تشخیص دهد. به اعتقاد پیاژه، کودک با این فرایند، نقش فعالی در تحول شناختی خویش ایفا می کند (کدیور، ۱۳۸۶).

بند سوم: دیدگاه اجتماعی

این دیدگاه تأکید اولیه خود را بر تجربه اجتماعی قرار می دهد و گاهی اوقات بر انتقال فرهنگی^۱ تأکید می ورزد و به فرد در بستر و شرایط خاص اجتماعی^۲ نگریسته می شود و تلاش بر این است تا برنامه هایی متناسب با این بستر و شرایط تدوین شود. در چهارچوب این دیدگاه رویکرد ها و دیدگاه های فرعی مختلفی وجود دارد. یکی از این رویکردها بر انتقال فرهنگی تکیه می کند این موضع را جامعه شناسانی مانند تالکوت پارسونز^۳ تبیین و تشریح کرده اند. به اعتقاد او دانش آموزان در مدرسه نقش های مناسبی را که در جامعه

^۱Cultural transmission

^۲Social context

^۳Talcott parsons

وجود دارد می آموزند. دانش آموز رفتار های مورد انتظار مربوط به نقش ها و اینکه چگونه انتظارات مربوط به نقش های مختلف محقق می شوند، را می آموزند.

موضوع دیگر در قالب این دیدگاه، شهروندی دموکراتیک^۱ نام دارد. در این چهار چوب وظیفه مدرسه فقط انتقال ارزشها نیست، بلکه از دانش آموزان انتظار می رود که استقلال در تفکر پیدا کنند. سومین موضع در قالب این دیدگاه بر تغییر اجتماعی تأکید می کند. این رویکرد وجود نابسامانی های جامعه را تصدیق کرده، بر نقش مدرسه در رفع این نابسامانی ها تأکید می نماید. مربیانی از قبیل آلفرد شولر^۲ فرد نیومن^۳ رویکرد هایی را مطرح ساخته اند که به دانش آموزان فرصت می دهد نه تنها مسائل را بررسی کنند، بلکه درگیر جریان تغییر اجتماعی در سطح مدرسه و جامعه محلی شوند (مهر محمدی، ۱۳۸۶).

بند چهارم: دیدگاه فرایند شناختی

این دیدگاه ریشه در روانشناسی شناختی داشته، کانون اصلی توجه خود را رشد و تقویت مهارت های شناختی قرار می دهد. کسانی که در چهارچوب دیدگاه فرایند شناختی به فعالیت مشغولند، به مطالعه نحوه تفکر انسان می پردازند و برنامه هایی را تدوین می کنند که حالت های مختلف تفکر (استدلال) را تقویت نمایند. برخی از طرفداران این دیدگاه معتقدند که چنین برنامه هایی باید کانون اصلی توجه نظام آموزشی را تشکیل دهد. برای مثال کارل برایتز^۴ از تمرکز مدارس بر آموزش مهارت های موسوم به ۳R (خواندن، نوشتن و حساب کردن) و مهارت های تفکر حمایت کرده است. یکی از هدف های اساسی این دیدگاه، پرورش استقلال عقلانی^۵ است.

^۱Democratic citizenship

^۲Alfred Alschuler

^۳Fered numen

^۴Carl bereiter

^۵Intellectual autonomy

بند پنجم: دیدگاه انسان گرایانه

دیدگاه انسان گرایانه به طور کلی تا حدودی تحت تأثیر روانشناسی انسان گرایانه [نیروی سوم در روانشناسی] و به طور خاص تحت تأثیر آراء و آثار کارل راجرز و آبراهام مازلو^۱ بوده است. هردو نفر تبیین اهمیت شکوفایی فرد را در کانون توجه خود قرار داده اند. مازلو اصطلاح "خود شکوفایی"^۲ را رایج ساخته و راجرز اندیشه "انسان با کارکرد تمام و کمال"^۳ را مطرح نموده است.

خود شکوفایی هدف اصلی بسیاری از برنامه های انسان گرایانه است که در آنها توجه اصلی از آن جهت که تجربه های یادگیری باید موجبات درگیری شناختی و عاطفی دانش آموزان را فراهم می سازد، به زندگی کنونی کودکان معطوف است. بنابراین یادگیری مفهوم ها بارشد عاطفی تلفیق شده است. (مهر محمدی، ۱۳۸۶). کارل راجرز روانشناس آمریکایی برجسته ای بود که نامش با درمان و بی رهنمود مترادف است. او رویکرد ذهنی و پدیدار شناختی را در مشاوره به وجود آورد که بر مفهوم انسان خود شکوفا متمرکز بود. راجرز بر این باور بود که تنها یک نیرو "خود"^۴ را برمی انگیزد و آن کشش به جانب خود شکوفایی است و به این ترتیب، به طور ضمنی، ناهشیاری مورد نظر فروید را طرد کرد. وقتی برای کودک شرایط لازم، یعنی توجه مثبت غیر مشروط، همدلی و همسانی یا اصالت فراهم شود، رشد سالم به وقوع می پیوندد (جمعی از مترجمان، ۱۳۹۱). ارزشها و غایات در فضا یابستر انسان گرایانه اهمیت دارند و از نظر انسان گرایان تأکید بر فن آوری آموزش کافی نیست. در عوض، تأکید اصلی بر کاوش و دستیابی به ارزشهای فردی و

^۱ Carl Rogers

^۲ Abe Maslow

^۳ Self-actualization

^۴ Fully functioning person

^۵ non- directive

^۶ self

اجتماعی است . جراللد واینستاین^۱ پنج معیار برای برنامه های انسان گرایانه پیشنهاد می نماید:

- ۱- نیاز افراد مهمترین منبع اطلاعات برای تصمیم گیری است.
- ۲- آموزش و پرورش انسان گرایانه حق انتخاب یادگیرندگان را افزایش می دهد.
- ۳- دانش شخصی دست کم همان درجه اهمیت و اولویت را دارد که دانش عمومی از آن برخوردار است.
- ۴- رشد هیچ کس مانع رشد دیگری نمی شود.
- ۵- تمام عناصر برنامه باید به شکل گیری احساس مهم بودن و ارزشمندی در افرادی که با آن سر و کار دارند، یاری رساند (مهر محمدی، ۱۳۸۶).

بند ششم: دیدگاه ماورای فردی یا کل گرایانه

آموزش و پرورش ماورای فردی از آن حیث که بر اهمیت شکوفایی فرد تأکید می ورزد با دیدگاه انسان گرایانه شباهت دارد. با وجود این از جهات مهمی نیز با انسان گرایی متفاوت است. در حالی که دیدگاه انسانگرایانه بر نفس یا خود تأکید می ورزد ، آموزش و پرورش ماورای فردی کانون توجه خود را به مرتبه یا مرکزی بالاتر از وجود قرار می دهد که در آن فرد یگانگی یا ارتباط با سایر شکلها را تجربه می نماید. بنابراین آموزش و پرورش ماورای فردی ، دستیابی به مرحله تعالی خود را به منزله غایت مطلوب و مرحله ای وری خود شکوفایی مطرح می سازد که در آموزش و پرورش انسان گرایانه هدف انگاشته می شود. روش های تمرکز یابی گوناگونی از قبیل تجسم و تخیل ، غور در باطن و حرکت برای گام برداشتن در مسیر نیل به خود متعالی استفاده می شوند. در آموزش و پرورش ماورای فردی تأکید بر اهمیت تفکر شهودی است . ویژگی بارز شهود ، درک آنی وبدون

^۱.Gerald weistein

واسطه امور است. در تفکر تحلیل یک فرایند منطقی وجود دارد که هر یک از اجزاء آن به جای خود درک می شوند. آموزش و پرورش ماورای فردی در جستجوی ایجاد تعادل و تلفیق میان تفکر شهودی و تفکر تحلیلی است. بنابراین برنامه های ماورای فردی بر پرورش قوه خلاقیت، اتخاذ رویکرد های تازه در حل مسائل و هنرها تأکید دارد. در نهایت آموزش و پرورش ماورای فردی بر اهمیت روحانیت یا حیات درونی فرد تأکید می کند. این هوشیاری درونی مستلزم تصدیق اهمیت افکار، انگاره ها و تخیلات است. یاد آور می شود که تجسم و غور در باطن معمولاً از اجزاء برنامه های ماورای فردی هستند که دستیابی به این هشیاری درونی را تسهیل می کنند (همان منبع، ۱۳۸۶).

بخش نهم: دیدگاه متفکرین غرب در زمینه تعلیم و تربیت

دیدگاه ارسطو^۱؛ ارسطو نیز مانند افلاطون تربیت اخلاقی را از تربیت اجتماعی و سیاسی و تربیت فردی را از تربیت اجتماعی جدا نمی داند. جامعه وقتی سعادت مند می شود که شهروندان آن خوب باشند یعنی به غایت خاص خود نائل شوند. فرد زمانی خوب خواهد شد که نظام تعلیم و تربیت جامعه معقول و اخلاقی و سالم باشد. فضیلت از نظر ارسطو یعنی فعالیت مبتنی بر عقل این فضیلت اکتسابی است و آنگاه وجود واقعی پیدا می کند که به صورت عادت درمی آید. گویی فطری انسان است.

دیدگاه کمینوس^۲؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه کمینوس انباشتن ذهن دانش آموز از عقاید دیگران و از مفاهیم ساخته و پرداخته نیست بلکه پرورش هوش تعقل و قضاوت اوست بنحوی که بتواند شخصاً فکر کند «او مدرسه ای مجهز به کتب تصویر دار، مدرسه ای با امکان گردش و مشاهده، یادگیری از راه شناخت و تجربه مستقیم، مشاهده درختان و طبیعت، بازدید از کارگاه ها و از راه گردش در ییلاق و تحقیقات علمی را به تصویر می

^۱.Arestokel

^۲.Jean amous com enius

کشد. کمیوس بر آن است که شاگردان خود را به گونه ای پرورش دهد که هرگز چیزی را نیندیشیده نپذیرد، بدون تفکر و تأمل باور نکنند، بدون قضاوت عمل نکنند، بلکه آنچه را خوبی، درستی و فایده آن مسلم است عمل نمایند.

دیدگاه کانت^۱: برطبق نظریه کانت پایه و کرامت هر کس از زن و مرد و بنابراین بنیادی ترین مرجع در زندگی وی عقل اوست و هر کس دارای این قدرت و اختیار و خود آئینی و بنابراین دارای این حق و مسئولیت است که برخورد حاکم باشد و مهار سرنوشت خویش را تاحد ممکن بدست بگیرد.

دیدگاه برتراند راسل^۲: مسلماً در فرآیندی که فرد در مسیر تربیت طی می کند، مقدمات ورود او به اجتماع فراهم می شود. نحوه تربیت فرد نقش مهمی در بنا و پویایی و یا نابودی جامعه خواهد داشت. از همین روست که راسل تربیت را « کلید جامعه و جهان نو» می داند. هرچند راسل تعاریف متعددی از تعلیم و تربیت در آثار خویش بیان می کند ولی می توان تعریف تعلیم و تربیت به عنوان « شکل گیری بوسیله آموزش از طریق عادات ذهنی معین و نگرش خاص درباره حیات و جهان » را تعریف مناسب در نظر گرفت. راسل معتقد است تعیین بهترین نوع تربیت مستلزم تعیین نوع انسانی است که در صدد تربیت آن هستیم. در این میان راسل برخلاف فیلسوفان پیش از خود همچون لاک، ماس و روسو معتقد نیست که انسان ها ذاتاً خوب یا بد هستند. یکی از هدف های اصلی راسل در تعلیم و تربیت حصول همبستگی اجتماعی، نخست در سطح ملی و سپس در سطح جهانی است. او با دیدگاه خوشبینانه خود معتقد بود که بوسیله دگرگون کردن شیوه ها از طریق تعلیم و تربیت می توان موجب شد که آنان در زندگی اجتماعی خویش با تعامل و همکاری به

^۱.Emanul Cant

^۲.Russell,B

حیات خود ادامه دهند. راسل معتقد است تنها از طریق دگرگون کردن خرد عامه به وسیله تعلیم و تربیت است که می توان به آینده بشریت امیدوار بود.

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این مقاله می توان دریافت که آموزش یکی از حیاتی ترین نیازهای بشری است که به منظور تعالی انسانها، کمک به آنان و در جهت سازگاری با اوضاع و شرایط متفاوت صورت می گیرد به عبارت دیگر، علم و یادگیری به انسانها توانایی می بخشد که محیط را مطابق با نیازهای خویش تنظیم و سازماندهی کنند. به همین جهت توسعه بی سابقه اقتصادی، اجتماعی و پیشرفت های سریع فن آوری در سال های اخیر ناشی از آموزش انسانها می باشد. از طرف دیگر پیشرفت های فن آوری و تخصصی شدن امور نیازمند توسعه ظرفیت ها و قابلیت های انسانی است که نیل به این منظور آموزش را پیش از پیش افزایش داده و موجب شده است که امروزه به آموزش از چشم انداز وسیع تر توسعه انسانی نگریسته شود این عوامل شرایطی را فراهم می آورد که شکل و کارایی نظامهای تعلیم و تربیت همواره مورد بررسی و بازنگری قرار بگیرد تا بتواند با دراختیار گرفتن امکانات وسیع به نیازهای فزاینده آموزش انسانها پاسخی مناسب ارائه نماید. در این میان از جمله عوامل اجتماعی که در پرورش کودک مؤثرند خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا در سالهای اولیه رشد، بیشترین و مؤثرترین ارتباط کودک با خانواده اش است و اعتقادات، ارزشها و نگرش های کودک توسط والدین به او انتقال می یابد. اکثر روانشناسان علوم رفتاری هم معتقدند که ساده ترین روش برای کمک به کودکان، آموزش والدین است و نهادهای آموزشی حتی اگر تجهیزات مدرن داشته باشند نمی توانند نیازهای روحی کودکان را فراهم کنند و این وظیفه بر عهده والدین است. آموزش خانواده و والدین در دهه های اخیر در اکثر کشورهای دنیا به عنوان یک امر

ضروری در جهت ایجاد محیط خانوادگی مناسب برای رشد فرزندان و پیشرفت تحصیلی آنان مد نظر قرار گرفته است. اکثر تحقیقات بر این واقعیت تأکید ورزیده اند که در امر تربیت فرزندان بایستی از آموزشهای جامع، سازمان یافته واز پیش طراحی شده بهرمنند شوند. همچنین نتایج تحقیقات روانشناسان پس از سالهای ۱۸۹۰ تاکنون، این نکته را تأیید می کنند که پرورش و تکامل کودک در درجه اول با محیط خانوادگی و محل زندگی او رابطه وجود دارد. با این وضع امروزه با توجه به دستاورد های روانشناسان و نیز مسائل حاد تربیتی کودکان، روابط خانه و مدرسه و روابط فرزندان با یکدیگر، عقیده بر آن است، آموزش آکادمیک به تنهایی کافی نیست، زیرا همه اعضای خانواده به آموزش نظری دیگری هم نیازمندند، آموزشهایی که دانش مربوط به رشد عاطفی و هوش کودکان، آگاهی از تعامل بین کودک و دیگر اعضای خانواده و...، را در بر می گیرد. بنابراین برای نجات خانواده و داشتن جامعه سالم، لازم است هرچه بیشتر در تشکیل کلاسهای آموزش خانواده به شیوه ای که برای والدین جذاب و مفید باشد بکوشیم؛ زیرا ضرورت آموزش والدین و توجه دادن به نقش آنها در اصلاح رفتار فرزندان شان مؤثر و مفید بوده و در مقایسه با خدمات کلینیکی که روانشناسان در موقعیت و زمان محدود می توانند تأثیر در مانی ایجاد کنند، چنانچه آموزش به والدین داده شود میزان تأثیر آن در اصلاح رفتار کودک بیشتر خواهد بود.

منابع مأخذ:

منابع فارسی

- ابراهیم زاده، ع. (۱۳۸۵). آموزش بزرگسالان. تهران. انتشارات پیام نور.
- به پژوهه، ا. (۱۳۸۹). نقش آموزش و مشاوره خانواده در شکل گیری خانواده متعالی. مجله پیوند، شماره ۳۷۴، ص ۹-۱۳.
- ترک لادانی، ف؛ ملک پور، م. و گل پرور، م. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت های زندگی به مادران ثر کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان سوم تا پنجم ابتدایی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۳۷، صص ۸۲-۶۵.
- چراغ چشم، ع. (۱۳۸۵). مبانی تربیت اسلامی. تهران. انتشارات آثار دانشمندان.
- چوبدار، ر؛ جبرستانی، م. (۱۳۸۰). رابطه دوره های آموزشی خانواده بر افزایش آگاهی تربیت همسران شاهد از دیدگاه خود آنان در شهرستان های بوشهر و برازجان. دانشگاه آزاد واحد بوشهر.
- حسینی حیدری، ا؛ باقری، ن؛ تاج جماعت، م. (۱۳۸۵). نگرش والدین درباره کلاس های آموزش خانواده. فصلنامه اندیشه های نو در علوم تربیتی، شماره ۴، صص ۵۵-۷۲.
- خاکی، ع. (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. تهران. انتشارات بازتاب.

- سلحشور، م. (۱۳۷۹). پرورش اعتماد به نفس در کودکان ونوجوانان. تهران . نشر واژه آرا.

- صادقی، ع؛ حمیدی، ح. (۱۳۸۲). آموزش خانواده، ضعف ها وقوتها. تهران .انتشارات انجمن اولیاءومربیان .

-اسپری، ل. (۲۰۰۴). خانواده سنجی: راهبردهای نوین در سنجش خانواده . ترجمه احمد به پژوه وعباسعلی حسین خانزاد (۱۳۸۸). تهران انجمن اولیاء ومربیان .

-باقری رمدانی، ح. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سواد آموزان رن در کلاسهای آموزشی دوره پایانی نهضت سواد آموزی در شهرستان های ساری، نکا وبهشهر در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰. پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه شهید بهشتی .

-پروند، م. (۱۳۸۵). مقدمات برنامه ریزی آموزشی ودرسی . تهران . نشر شیوه .

-تبریزی، غ. (۱۳۸۲). بررسی نقش کلاس های آموزش خانواده در تغییر رفتار والدین وحل مسائل تربیتی، فرهنگی و تحصیلی دانش آموزان. طرح پژوهشی سازمان آموزش وپرورش استان خراسان .

-دلاور، ع. (۱۳۹۰). احتمالات وآمار کاربردی در روانشناسی وعلوم تربیتی . تهران . رشد

-رصافیانی، م؛ پورمحمدرضاتجرتشی، م؛ همتی، س. (۱۳۹۱). آموزش خانواده به خانواده . فصلنامه خانواده پژوهی ، سال هشتم، شماره ۳.

-سلحشور، م. (۱۳۹۱). راهنمای مشاور مدرسه . تهران .ارسباران .

-سیف، ع. (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی نوین. تهران. دوران.

-شاهمرادی، ن. (۱۳۷۶). راههای بهبود کلاسهای آموزشی خانواده از دیدگاه مدرسان شهر تهران و رابطه آن با جنسیت، سابقه تدریس، میزان ورشته تحصیلی مدرسان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

-شرفی، پ. (۱۳۸۷). نقش خانواده در تعلیم و تربیت. مجله پیوند، شماره ۳۵۳.

-شرکایی، ج؛ متولی زاده، م؛ ریاحی نژاد، ح. (۱۳۸۷). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. تهران. مدرسه.

-شعاری نژاد، ع. (۱۳۷۷). فلسفه آموزش و پرورش. تهران. امیر کبیر.

-فدایی، غ؛ خسروجدی، م؛ رضوی صوفیانی، ع. (۱۳۸۷). بررسی نقش حجاب بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشگاه تهران. ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۷-۹.

-فرزاد فر، ز؛ هومن، ح. (۱۳۸۷). نقش آموزش مهارتهای فرزند پروری بر کاهش تنیدگی مادران و مشکلات رفتاری کودکان. فصلنامه روانشناسی ایران، شماره ۱۵.

-قاسمی، غ. (۱۳۷۷). بررسی نقش آموزش خانواده در سازگاری نوجوانان ناسازگار مقطع راهنمایی پسرانه شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی

-گروهی از مؤلفان (۱۳۸۴). خانواده و فرزندان دوره راهنمایی تحصیلی. تهران. انتشارات

انجمن اولیاء و مربیان.

منابع خارجی

- Besser ,R ;Falk, H ; Arias,L; Hammond ,R .(2009). Parent Training Programs :Insight for Practitioners .U.S .Depertment of Health and Human Services ,Atlanta ,Georgia .
- Bethman,M;Pearl,Peggyt;Behel,Pamela,b.(2004) .Effects of Parent education onknowledge and Attitudes, www.findarticles.com .
- Cheung,G.(2002). Evaluation the benefit from the help for the parent –taeher association .journal home page .
- Horenby ,G.(2000). Improving Parental Involvement.London cassel .
- Huser, M ; Small ,S &Eastman ,G. (2008). What research Tells us about Effective Parenting Education Programs .University of Wisconsin –Medison/ Extension .
- Levenstein ,P ; levenstein ,S .(2008). Massage from Home : the Parent – Child Hom Program for Overcoming Educational Disadvantage .Philadelphia :TEMPLE University Press .

مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همبازی شهرداری های
ایران



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همبازی شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:

دکتر امین امیریان فارسانی

رئیس هیات داوران:

دکتر سعید سامانی مجد

رئیس شورای سیاست گذاری،

دکتر سعید خردمندی

محور های همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی
علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی
علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه

پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

T
PBIN.com
Sponsored And Indexed

همایش های ایران
symposia

CONF
PAPER

مجله علمی-پژوهشی
فقه و حقوق اسلامی

نشریه علمی-پژوهشی
فقه و حقوق اسلامی



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار

گنجینه فایل word مقاله خود را به همراه

شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

www.olomensani.IR

۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

دبیر خانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ مشیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، موسسه قانون یار، مرکز علمی کاربردی سازمان همبازی شهرداری اصفهان، بهمن ۱۳۹۸